

تاریخ: ۱۴۰۱/۰۹/۰۷

جامعه‌شناسی مدرن جانشین الهیات در غرب

برای فهم پیدایش و تکوین جامعه‌شناسی در قرن نوزدهم باید به ریشه‌های تاریخی آن در رنسانس و تحولات پس از آن رجوع کنیم؛ جایی که گویی انسان جدیدی متولد شده، فهم تازه‌ای پدید آمده و ارتباط بشر غربی با تاریخ پیش از خود (قرون وسطی) گسسته شده است. این فهم جدید و این بینش تازه در حوزه‌های مختلف علوم بشری، از سیاست گرفته تا اقتصاد و علوم طبیعی در آثار اندیشمندان چون ماکیاولی، هابز، لاک، نیوتن و دیگرانی که افکار و آثارشان هر کدام به نوعی نوید ظهور انسانی جدید را می‌دهد؛ انعکاس یافته است.

در این مرحله از جلسات پیدایش و تکوین علوم اجتماعی مدرن، دکتر قائمی‌نیک، ریشه‌های شکل‌گیری جامعه‌شناسی کلاسیک را در «حوزه الهیاتی» دنبال می‌کند. بدین منظور وی تغییر و تحولات حوزه الهیات و سیر تاریخی آن را تا رسیدن به علم اجتماعی مدرن پی می‌گیرد. جایی که در نهایت این تغییر اساسی در فهم الهیاتی انسان، خودش را در جامعه‌شناسی ظهور و بروز می‌دهد و «جامعه‌شناسی مدرن»، جایگزین الهیات می‌شود.

در این جلسه تحولات الهیات در غرب تا شکل‌گیری علوم اجتماعی جدید در سیر تاریخی ذیل روایت می‌شود:

«نسبت دین و تفکر یونانی»، «پروبلماتیک شدن الهیات با ظهور مسیحیت»، «تلاش آکوئیناس برای سازگار کردن فلسفه ارسطویی با الهیات مسیحی»، «منازعه دین و فلسفه و توسعه مکتب ابن رشد»، «شروع ریاضیات جدید از الهیات»، «ترکیب ریاضیات با مشاهده و حس و تجربه»، «شکل‌گیری علوم جدید متأثر از درک الهیاتی جدید»، «کانت و تلاش برای حل منازعه عقل و تجربه»، «علوم طبیعی و کارکرد الهیاتی»، «کنت و جامعه‌شناسی به مثابه علم وحدت بخش».